

بخشیدن مهریه

برای نجات برادر از قصاص

گروه حوادث/ زن جوان که چند سال قبل شوهرش در یک درگیری خانوادگی به دست برادرش کشته شده بود با بخشیدن مهریه خود به عنوان دیه به پسرش که ولی دم پرورده بود، توانست رضایت اولیای دم را برای نجات برادرش از قصاص جلب کند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، پاییز سال ۹۱ گزارش قتل مرد جوانی در یکی از محله‌های پایتخت به تیم جنایی اعلام شد. با حضور تیم تحقیق آنها با جسد مرد جوان در حالی مواجه شدند که با ضربه چاقو به گردنش به قتل رسیده

بود. گرچه در بررسی‌های اولیه به نظر می‌رسید که مرگ مرد جوان خودزنی است اما در معاینات صورت گرفته مشخص شد که او به قتل رسیده است و عامل یا عاملان جنایت قصد تغییر مسیر تحقیقات را دارند.

در تحقیقات میدانی از همسایه‌های مقتول، مشخص شد که مقتول با همسرش اختلاف داشته و صدای درگیری و مشاجره آنها مدام به گوش می‌رسیده است. اختلاف زن جوان و همسرش، می‌توانست انگیزه‌ای برای جنایت باشد. به دستور بازپرس جنایی زن جوان بازداشت شد، گرچه وی ابتدا منکر اطلاع از دوستش بازداشت شده و یک‌تکمیل

تحقیقات، سه متهم این پرونده در دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفتند. به درخواست اولیای

دم، محسن به قصاص و همسر مقتول و دوست محسن به زندان محکوم شدند. پس از چند سال زن جوان آزاد



شد و با گذشت ۱۰ سال از این جنایت، در حالی که پرونده متهم اصلی به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران ارجاع شده بود، تلاش برای گرفتن رضایت از اولیای دم آغاز شد. در نهایت مادر مقتول از قصاص قاتل فرزندش گذشت کرد. با گذشت او، تنها ولی دم پرورده پسر نوجوان مقتول بود که در زمان قتل پدرش فقط یک سال داشت.

باتوجه به اینکه فرزند مقتول به سن قانونی نرسیده، پرونده برای تصمیم‌گیری به دفتر رئیس قوه قضائیه ارسال شد و در نهایت حکم بر پرداخت دیه به فرزند مقتول صادر شد. با صدور حکم، همسر مقتول، مهریه‌اش را از خانواده شوهرش طلب کرد و قرار شد این مهریه را به عنوان سهمی از دیه به پسرش که ولی دم پدرش بود، پرداخت کند. در ادامه بقیه دیه قانونی نیز با کمک خیرین جمع‌آوری و پرداخت شد. با پرداخت دیه و از آنجایی که محسن حدود ۱۰ سال در زندان به سر برده بود، حکم آزادی او صادر شد.

ردپای زن آشنا در قتل مهندس میانسال

صادر شد، اما در تحقیقات صورت گرفته مشخص شد که وی در زمان قتل جای دیگری بوده و بدین ترتیب او نیز آزاد شد.

■ بازداشت سومین مظنون

در ادامه بررسی‌ها و در حالی که بیش از ۵ سال از این جنایت گذشته و هنوز گرگ کور این معمای جنایی باز نشده بود این بار مأموران به خواهر زن مقتول به نام سهیلا مشکوک شدند. آنها سرخ‌حالی به دست آوردند که احتمال حضور او در صحنه قتل را پررنگ کرد. طبق مدارک و شواهدی که مأموران به دست آوردند، سهیلا، ساعاتی قبل از جنایت با مرد ناشناسی در نزدیکی محل حادثه دیده شده بود. از سویی صبح روزی که جنایت رخ داده او تماس‌های مشکوکی با فردی ناشناس برقرار کرده بود، این در حالی بود که سهیلا منکر ماجرا شده و مدعی بود روز حادثه به خانه مقتول نرفته است.

با کنار هم قرار دادن این مدارک سهیلا بازداشت شد، اما زن جوان منکر جنایت بود و گفت: با همسر هر چند روز یکبار به مهندس سر می‌زدیم و حتی برای او غذا هم می‌پردیم. من با او اختلافی نداشتم که بخواهم او را به قتل برسانم. به دستور بازپرس محمد وهابی، زن جوان در اختیار کارآگاهان اداره آگاهی قرار گرفت تا با انجام آزمایشات مشخص شود خون دلاری داشت مورد ظن کارآگاهان وی مطابقت دارد یا خیر.



خطر جرایمی که مرتکب شده بود در زندان بود و خودش نیز سابقه خوبی نداشت اما وقتی دستور بازداشت زن جوان صادر شد از او آزمایش خون گرفتند و مشخص شد که گروه خونی وی با گروه خونی کشف شده روی لباس مطابقت ندارد. بدین ترتیب زن جوان آزاد شد.

در ادامه رسیدگی به این پرونده، مرد جوانی که با مقتول معاملات دلاری داشت مورد ظن کارآگاهان قرار گرفت و دستور بازداشت او نیز

خانه لباس زنانه‌ای که لکه‌های خون روی آن ریخته بود نیز کشف شد. لکه‌های خونی که متخصضان پزشکی قانونی اعلام کردند متعلق به مقتول نیست. همین مساله این فرضیه را مطرح کرد که در صحنه قتل یک زن هم حضور داشته است. جسد مهندس میانسال که دو روز از مرگ او گذشته بود به دستور بازپرس جنایی به پزشکی قانونی منتقل شد. در ادامه بررسی‌ها، تیم تحقیق ابتدا به زن همسایه مشکوک شدند. زن جوانی که همسرش به

گروه حوادث/ با گذشت ۵ سال از قتل مهندس میانسال در خانه‌اش و بازداشت زنی آشنا در پرونده، رمزگشایی از این معمای جنایی به آزمایش خون و تطابق آن با لکه‌های خونی که روی لباسی زنانه در صحنه قتل پیدا شده بود، گره خورده است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۸:۳۰ صبح ۹ اسفندماه ۹۶، مأموران کلانتری ۱۱۸ ستارخان در تماس با بازپرس کشیک قتل گزارش جنایت هولناکی را در طبقه دوم ساختمانی هشت طبقه واقع در منطقه صادقیه اعلام کردند.

به دنبال این گزارش، بازپرس جنایی و تیم بررسی صحنه جرم راهی محل شدند. باجناق مقتول که در محل حضور داشت به مأموران گفت: بهنام، مهندس ساختمان بود و از زمانی که همسر و دخترش برای زندگی به آمریکا رفته بودند تنها زندگی می‌کرد. صبح امروز خواهرزهم تماس گرفت و گفت از بهنام خبری نیست و نگران شده بود از من خواست که سراغ بهنام بروم. من هم طبق خواسته او راهی خانه بهنام شدم اما جسد او را داخل اتاق خواب پیدا کردم.

با توجه به سالم بودن در ورودی آپارتمان، احتمال جنایت از سوی فردی آشنا قوت گرفته و این احتمال مطرح شد که مقتول خودش در را برای عامل یا عاملان این جنایت باز کرده یا اینکه با کلید وارد خانه شده‌اند. در بازرسی از

اعتراف شرور مسلح

به شهادت سرهنگ «راه انجام»



گروه حوادث/ یکی از عاملان شهادت سرهنگ نیروی انتظامی در زاهدان پس از ۳ ماه ردیابی‌های تخصصی پلیس دستگیر شد. سردار «احمد طاهری» فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان در تشریح این خبر گفت: ساعت ۲۱:۴۸ شامگاه جمعه ششم خرداد امسال، اشرار منطقه در اقدامی ناخونمردانه با سلاح کلاش به سمت خودروی شخصی سرهنگ دوم «عباس راه انجام»، یکی از مأموران جان برکف پلیس پیشگیری شهرستان

دلگان که به همراه خانواده، در حال طی مسیر در محور «ایرانشهر – دلگان» بود شلیک کردند و از صحنه متواری شدند. بر اثر این تیراندازی سرهنگ دوم «راه انجام» به درجه رفیع شهادت نائل آمد. از همان لحظات نخست پس از وقوع این حادثه دستگیری عاملان این جنایت به‌صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس این فرماندهی قرار گرفت.

وی افزود: تیم رسیدگی کننده به پرونده با تلاش شبانه روزی خود یکی از اشرار مسلح را که در شهادت مأمور پلیس نقش داشت شناسایی کرد و با اقدامات پلیسی ویژه و رصد اطلاعاتی مشخص شد وی یکی از اشرار بنام و معروف منطقه بوده که در اقدام‌های شرارت بار خود از قبیل راه بندی، سرقت مسلحانه، تیراندازی و اخاذی در محورهای مواصلاتی جنوبی استان به همراه تعدادی از همدستانش به‌صورت مسلحانه فعالیت داشته است. این مقام ارشد انتظامی تصریح کرد: پس از رصد و اقدامات شبانه‌روزی محل تردد متهم در محور مواصلاتی شهرستان بزمان به شهرستان ریگان استان کرمان شناسایی و ضمن هماهنگی و تشریفات قضایی، تیم عملیاتی پلیس استان به بخش بزمان اعزام شد و پس از اطمینان حضور متهم در مخفیگاهش در یک عملیات غافلگیرانه وی را دستگیر کرده و خودروی پژو ۴۰۵ و نیز توقیف و با هماهنگی مراجع قضایی به مرکز استان منتقل شد. در این رابطه پرونده تشکیل و در تحقیقات فنی و پلیسی متهم به جرم خود مبنی بر معاونت در شهادت سرهنگ عباس راه انجام اعتراف و در خصوص تعدادی سرقت مسلحانه نیز اعتراف کرده است. سردار طاهری در پایان با اشاره به تحویل متهم به مراجع قضایی، خاطرنشان کرد: پلیس با اقتدار در برابر اشرار و سوداگران مرگ می‌ایستد و هرگز اجازه نمی‌دهد خون پاک مدافعان امنیت کشور که برای تأمین نظم و امنیت مردم و مرزهای میهن اسلامی جان عزیز خود را فدا می‌کنند، پایمال شود.



درخواست طلاق از همسری که با کارش ازدواج کرده بود

گروه حوادث: ورودی مجتمع خانواده، دختر جوانی با مانتوی آبی و شال سفید ایستاده بود، گویا منتظر کسی بود واضطراب و نگرانی در چهره‌اش بخوبی نمایان بود.

چند دقیقه‌ای که ایستاد و در میان جمعیت چشم‌گرداند وارد دادگاه شد و به سمت طبقه اول رفت و سپس وارد شعبه ۲۱۳ شد. منشی دادگاه با دیدن دختر جوان گفت: جلسه شما ساعت ۱۰ و نیم شروع می‌شد الان ۵ قاضی که مرد خوش رو و میانسانی بود وقتی عذر خواهی دختر جوان را شنید گفت: اشکالی ندارد بیا بنشین. همسرت کجاست؟ در همین لحظه در اتاق قاضی باز شد و پسر جوانی با عجله داخل اتاق آمد و گفت: سلام جناب قاضی اجازه هست؟ قاضی گفت: شما؟

مرد جوان خودش را سامان معرفی کرد و گفت: من همسر این خانم هستم. قاضی نگاهی کرد و گفت: چرا دیر کردی؟ الان یک ربع است که جلسه شروع شده.

سامان گفت: ببخشید دیر گریز کارم بودم جناب قاضی برای همین دیر شد.

دختر جوان با شنیدن این حرف گفت: می‌بینید حاج آقا اییون با کارش ازدواج کرده ومن و منم زندگی مشترک و حتی خانواده هیچ جایی در زندگی او نداریم. همین موضوع باعث شده که من الان اینجا باشم.

وقتی قاضی از او خواست درباره علت درخواست طلاق بیشتر توضیح دهد، گفت: شوهر خواهرم مغازه لوازم خانگی دارد یک روز که به آنجا رفته بودم سامان من را دید. او دوست شوهر خواهرم بود. از همان جا با هم آشنا شدیم و چند روز بعد هم به شوهر خواهرم گفته بود که از من خوشش آمده و قصد دارد با من ازدواج کند، من هم که فهمیدم هدف سامان ازدواج است گفتم باید با او بیشتر آشنا شوم. کار سامان هم خرید و فروش لوازم خانگی بود. او چند مغازه لوازم خانگی دارد و مدام در حال کار و سفر و خرید و فروش است. اوایل چندان به این موضوع توجهی نکرده بودم، البته او هم بیشتر برای من وقت می‌گذاشت اما وقتی بعد از چند ماه آشنایی عقد کردیم و یک مراسم عروسی گرفتیم و رقتیم سر خانه زندگی‌مان، کم‌کم سامان هم حضورش کم‌رنگ‌تر شد. حدود یک سال و نیم است که ما ازدواج کرده‌ایم و زیر یک سقف زندگی می‌کنیم اما در این مدت ۱۰ بار هم شام را با هم نخورده‌ایم، چون آنقدر شب‌ها دیر می‌آید که با من خوابم یا از گرسنگی مجبورم غذا بخورم.

جناب قاضی هر وقت جایی دعوت بودیم دیر رسیدیم. هر وقت می‌خواستم خرید بروم باید تنها می‌رفتم، هر وقت می‌خواستم دکتر بروم تنها رفتم، تفریح و میهمانی و سفر و همه چی تنهایی بوده، حتی مسافرت هم با پدر و مادرم می‌رفتم، چون اییون درگیر کارش بوده است، هم صحنیتی و دیدارمان هم محدود به چند دقیقه در شبانه روز شده است. حاج آقا همین چند هفته پیش سالگرد ازدواج‌مان بود پدر مادر خودم و پدر مادر او را دعوت کرده بودم که سورپرایز شود، آنقدر آن شب دیر آمد که خانواده خودش هم اعتراض کردند. من دیگر خسته شدم و نمی‌توانم به این زندگی ادامه بدهم ،حدافل طلاق بگیرم تکلیفم با زندگی‌م معلوم می‌شود. من آدم حساس و سخت‌گیری هستم اما از تنهایی خسته شده‌ام و با این وضعیت نمی‌توانم دیگر ادامه دهم.

قاضی با شنیدن این حرف‌ها تعجب کرد و گفت: پسرم حرف‌های همسرت را تأیید می‌کنی؟

سامان با کمی مکث در حالی که به ساعتش نگاه می‌کرد گفت: آقای قاضی من همه تلاش‌م برای ساختن یک زندگی مرفه و آینده خوب برای همسرم فرزندانمان است. من اگر عاشق همسرم نبودم که آنقدر برای آسایش او تلاش نمی‌کردم. خودش هم می‌داند چقدر او را دوست دارم؛ از صبح تا شب بودم می‌کنم که برای او یک زندگی خوب بسازم. باور کنید من دنبال تفریح و سرگرمی نیستم، فقط کار می‌کنم، کجای این کار گناه است و اشکال دارد؟ اگر حواسم به کارم نباشد ضرر می‌کنم.

همسرش با بغض گفت: من هم آدمم، ازدواج کردم که تنها باشم و با شوهرم از زندگی لذت ببرم ،نه اینکه همه جا تنها بروم. آقای قاضی من نیاز به همه دارم، او هم اجازه می‌دهد که من در کار کمکش کنم و بیشتر کنارش باشم ،نه خودش به من توجه می‌کند، حتی پیشنهاد دادم اجازه دهد در یکی از مغازه‌هایش کار کنم، اما نمی‌گذارد.

سامان حرفش را قطع کرد و گفت: نمی‌شود این کار مردانه است. من دلم نمی‌خواهد همسرم در این کار باشد، ضمن اینکه تو نیازی به کار کردن نداری. همه تنها آرزوی این زندگی را دارند اما تو ناشکری تاملین نشدن نیازهای روحی و عاطفی می‌کنی. قاضی پرونده که فرد با تجربه‌ای بود گفت که دیگر کافی است، آنچه که باید بدانم از پرونده شما می‌دانم، دیگر نیازی به گفتن نیست بسن کنید شما باید دوماه مستمر به واحد مشاوره مراجعه کنید تغییر دهد و به نیازهای اصلی و اساسی همسرش پاسخ درست بدهد قطعاً می‌تواند این بحران را پشت سر بگذارد.

می‌کنم.

یک کشته ودومجروح درصاعقه عربستان

برخورد صاعقه منجر به فوت یک جوان ومجروح شدن دونفر دیگر در عربستان شد.به گزارش رسانه‌های سعودی، این حادثه بعدازظهر یکشنبه در استان «حجازان» عربستان رخ داد وبراساس اطلاعاتی که به دست آمد، این سه جوان سوار خورد بودند که صاعقه به آنها اصابت کرد. یکی از آنها در دم جان خود را از دست داد و دونفر دیگر که پسرعموهایش بودند در بیمارستان تحت مداوا هستند.این درحالی است که مناطق مختلف عربستان از جمله مدینه منوره ومکه مکرمه روز جمعه شاهد رعد و برق شدید و به‌دنبال آن باران‌های سیل آسا بود که مانع از عبور و مرور شد. باران‌های سیل آسا منجر به غرق شدن دو اتوبوس در مدینه منوره و همچنین باعث آسیب رساندن به بسیاری از خودروها شد.رسانه‌های داخلی سعودی اعلام کردند: « با وجود بالا بودن دمای هوا، برخی از مناطق عربستان سعودی در معرض وقوع رعد و برق‌های شدید قرار دارند که منجر به جاری شدن سیلاب‌ها می‌شود.»